

بررسی ریاضت و رهبانیت در اسلام از منظر علامه طباطبائی

دکتر علی اصغر جعفری ولنی^۱، محیا مهر جدی^۲

چکیده

ریاضت یکی از مباحث مهم در حوزه سیر و سلوک عرفانی است که هم می تواند به صورت مشروع در قالب تهذیب نفس و خودسازی شکل گیرد و هم می تواند به صورت نامشروع و در قالب ریاضت های طاقت فرسا و رهبانی گری دیده شود. از دیدگاه علامه طباطبائی، ریاضت تأثیر عمیقی بر روح انسان می گذارد. ریاضت کارآمد و مشروع در دین اسلام به طور کامل بیان شده و تنها روش قرآن و اهل بیت(ع) برای سیر و سلوک و تعالی روح انسان مورد تأیید است و باقی روش های انحرافی چه در دین اسلام و چه در ادیان دیگر مردود است. از سوی دیگر، با بررسی آیات و روایات درمی یابیم رهبانیت که نوعی ریاضت است، در مواردی سفارش شده و در مواضعی رد شده است. علامه درباره رهبانیت بر این نظر است که خداوند متعال صراحتاً آن را نه نفی کرده است و نه تشریح. تعارض یادشده با این پاسخ حل می شود که بگوییم مفهوم رهبانیت در همه مواضع به یک معنا نیست. هدف از پژوهش پیش رو، تحلیل تعارضات درباره رهبانیت به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای کلام علامه است.

کلید واژگان: ریاضت، رهبانیت، تعارض، علامه طباطبائی.

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه شهید مطهری تهران jafari_valani@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد دانشگاه علامه طباطبائی mahya_mehrjedi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

Comparative study of Riyazat & Rohbaniyat according to Allameh Tabatabai

Dr. Ali Asghar Jafari valani¹, Mahya Mehrjedi²

Abstract

Asceticism (Riyādat) is a significant topic in the field of mystical spiritual wayfaring (sulūk), which can manifest legitimately as self-discipline and self-purification or illegitimately as arduous ascetic practices and monasticism. From the perspective of Allamah Tabatabai, asceticism has a profound impact on the human soul. Effective and legitimate asceticism in Islam is fully articulated, and only the method of the Quran and the Ahl al-Bayt (AS) for spiritual wayfaring and the elevation of the human soul is endorsed, while other deviant methods, whether within Islam or other religions, are rejected. On the other hand, by examining Quranic verses and narrations, we find that monasticism—a form of asceticism—is sometimes recommended and at other times rejected. Allamah argues that the Almighty God has neither explicitly negated nor legislated monasticism. The apparent contradiction can be resolved by recognizing that the concept of monasticism does not carry the same meaning in all contexts. The aim of the present research is to analyze the contradictions regarding monasticism using a descriptive-analytical method based on Allamah Tabatabai's statements .

Keywords: Asceticism, monasticism, contradiction, Allamah Tabatabai.

¹ Faculty member, Shahid Motahhari University, Tehran jafari_valani@yahoo.com

² Master's degree, Allameh Tabatabai University mahya_mehrjedi@yahoo.com

بیان مسأله

ریاضت از مهمترین مباحث اخلاقی و یکی از راه های رسیدن به مقام والای انسانیت است. ریاضت مورد تایید اسلام، در قالب تهذیب نفس و خودسازی شکل گرفته است، اما هجمه هائی از نحله های دروغین در قالب رهبانیت ریاضت گونه در جامعه بشری گسترش یافته است؛ که ناگزیر، پیروان این فرقه ها را از مسیر سعادت دور خواهد کرد. از آنجا که، در منابع حدیثی، روایاتی موثق مبنی بر سفارش به ریاضت و رهبانیت یافت می شود که ممکن است برخی پیروان فرقه های منحرف، با استناد به آنها مُهر تایید بر رفتارهای منحرف خود بزنند؛ فلذا، تحقیق درباره سیر پیدایش این فرقه ها و همچنین، ارائه شیوه اسلامی آن ضرورت دارد. البته روایاتی در رد ریاضت و رهبانیت نیز هست که طبعاً این تعارضات نیز نیازمند بررسی است.

در این راستا، علامه طباطبایی با درک اهمیت این موضوع، علاوه بر بررسی پیشینه، شکل صحیح ریاضت و رهبانیت را با تکیه بر آیات قرآن و روایات ارائه کرده است. با این بیان که: بزرگترین ریاضت، دینداری است. ریاضت اگر بر مبنای دستورات دین اسلام باشد، تأثیر بسیار شگرفی بر روح انسان می گذارد؛ تا جایی که او می تواند کارهای فوق العاده انجام دهد. رهبانیت نیز که نوعی ریاضت است، اگر بر مبنای دستورات دین اسلام باشد، مورد سفارش است و گرنه مردود خواهد بود. همچنین، وی بیان می کند که خداوند رهبانیت را نه نهی کرده است و نه تشریح. بنابراین، مسأله اصلی که ما اینجا به آن می پردازیم، طرح ناسازگاریها و تعارضات وارد شده درباره ریاضت و رهبانیت است که با بحث اشتراک لفظ، به آنها پاسخ می دهیم؛ به این صورت که این مفاهیم، مشترک لفظی هستند و در مواضع مختلف معنای متفاوتی دارند.

در این مقاله به چندین پرسش پاسخ داده ایم که پرسش اصلی پژوهش، بررسی نسبت ریاضت و رهبانیت در اسلام از نظر علامه طباطبائی است و چه راه حلی برای تعارضات آیات و روایات درباره ریاضت و رهبانیت وجود دارد؟ البته برای بررسی چنین نسبتی، پرسش های فرعی نیز قابل طرح است: اینکه ریاضت و رهبانیت چیست و اقسام هر یک چه تأثیری بر انسان دارد؟

ریاضت و رهبانیت مورد تأیید اسلام چگونه است؟ آیا معنای ریاضت و رهبانیت در همه مواضع یکسان است یا خیر؟ تعارض میان آیات و روایات مرتبط با ریاضت و رهبانیت چگونه قابل حل است؟

هدف از پژوهش پیش رو، ارائه پاسخ به تعارضات مطرح شده، به روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر آراء علامه طباطبائی است.

پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه مسأله دریافتیم که تحقیقات متعددی در توصیف و تبیین ریاضت و رهبانیت انجام شده است که برخی از آنها را در ادامه معرفی می کنیم:

در مقاله «ریاضت، اقسام و درجات و مراتب آن» که توسط ناصری و احمدپور (۱۳۹۵) انجام شده است، مفهوم ریاضت و اقسام و موانع و آفات آن بررسی می شود و بیان می شود که تنها راه رسیدن به قرب الهی و فلاح و رستگاری، ریاضت مشروع است.

در تحقیق «کسب توانائی های روحی از راه ریاضت» که توسط اسد علی زاده (۱۳۸۳) آماده شده، ریاضت شرعی و دینی به طور کامل معرفی می شود و ریاضت های غیر دینی (یوگا و مرتاضی) به نوعی پیروی از هوای نفس و دوری از خداوند تعبیر می شود.

در پژوهش «رهبانیت در گستره روایات» به عنوان کار مشترک پازوکی و فتاحی (۱۳۹۱) ضمن بیان محتوای روایاتی که درباره رهبانیت آمده است، پارادوکس میان دو مفهوم مثبت و منفی از رهبانیت مورد تحلیل قرار می گیرد.

در تحقیق «قرآن از نگاه دیگر: رهبانیت از منظر قرآن» که توسط آل رسول و مسجدی (۱۳۹۴) انجام شده، به این مسأله پرداخته شده است که اگر سخن از اعراض از دنیا می شود، یا محدود به مخاطبانی خاص بوده یا مراد از آن اجتناب از ریا و خودنمایی است. چنین

اعراضی سبب عبور از ظواهر دنیا برای رسیدن به حقیقت اصلی آن و عدم وابستگی به متاع دنیا می شود.

جنبه نوآوری تحقیق پیش رو این است که موضوع ریاضت و رهبانیت را طبق آیات و روایات مربوط، با تکیه بر آراء علامه طباطبائی بررسی می کند. بر اساس تعارضاتی که در آیات و روایات وارده درباره رهبانیت دیده می شود و همچنین رأی علامه بر اینکه خداوند رهبانیت را نه تشریح کرده است و نه نفی کرده، نوآوری دیگری که در این مقاله به آن اشاره می شود، اشتراک لفظ ریاضت و رهبانیت است؛ زیرا این دو مفهوم، در مواضع گوناگون، معنای متفاوتی دارند. همچنین می توان گفت که ریاضت، مفهومی اعم از رهبانیت دارد.

ریاضت و اقسام آن

«ریاضت» در لغت، از ماده «روض» و به معنای تربیت و تمرین و تحت کنترل درآوردن است. راغب در المفردات، کلمه ریاضت را به تمرین و تربیت کردن معنا کرده است. (راغب، ۱۴۲۳:۳۷۲) و طریحی در مجمع البحرین، به پروراندن و تمرین دادن و ذلیل کردن تعبیر کرده است. (طریحی، ۱۳۷۵:۲۱۰)

ریاضت از دیدگاه اسلام، به معنای تمرین و وادار کردن خویشتن به کارهای خیر و ترک محرمات و انجام واجبات (مجلسی، ۱۴۰۴:۶۵)، نهی نفس از هواهای نفسانی و امر به اطاعت مولاست؛ البته کامل ترین ریاضت، منع نفس از توجه به ماسوی الله است. (حلی، ۱۴۰۹:۱۱۹) و همچنین، تهذیب اخلاق نفسیه است. (ابن عربی، بی تا:۱۳۲) در مجموع، ریاضت به معنای تمرینات روحانی و باطنی است که به منظور تقویت ارتباط انسان با خداوند و تعالی روح او انجام می شود. این تمرینات شامل عبادات، دعا، تفکر در معانی آیات قرآن و احادیث، و پرهیز از گناهان است.

توصیه اسلام این است که مسلمانان به صورت منظم و پیوسته به این تمرینات بپردازند تا روح خود را تعالی بخشیده و به مقام قرب الهی دست یابند. اما در عین حال، اسلام با ریاضت

هایی که ممکن است به شکل خلاف مقاصد دینی و اخلاقی انجام شوند، مخالفت دارد. ریاضتی که باعث گوشه گیری، دوری از اجتماع و آسیب به جسم و روان انسان شود، طبعاً مورد تأیید اسلام نیست. در واقع، اسلام بر میانه روی و تعادل در تمرینات ریاضت گونه تأکید دارد و از هرگونه افراط و تفریط منع می کند.

بنابراین، ریاضت اقسامی دارد: ریاضت مشروع و ریاضت نامشروع. ریاضت مشروع به معنای تهذیب و تزکیه نفس در جهت دینداری و تقرب به خداوند متعال است که مورد تأیید دین اسلام است و باعث سعادت‌مندی و عاقبت به خیری انسان می شود. اما ریاضت نامشروع به معنای عبادت محض، گوشه نشینی، انزواطلبی و ترک کامل دنیا بوده که مردود شمرده می شود، زیرا به طور حتم، باعث شقاوت و بدبختی خواهد بود.

علامه طباطبائی درباره ریاضت بیان می دارد: بزرگترین ریاضت، دینداری است. به نظر می رسد که این سخن علامه متأثر از حدیث حضرت علی (ع) است که فرمودند: الشریعة ریاضة النفس. دستورات دین همان ریاضت نفس است. (تمیمی آمدی، ۵۴۳: ۱۴۱۰) وی در ادامه بیان می کند: کاری که مرتاضان هندی انجام می دهند و بعضی قوایشان را نابود می کنند، این هنر نیست. هنر آن است که شهوت و غضب و سایر قوای اینچنینی تحت کنترل دستورات دین و عقل قرار گیرند. (محیطی، ۱۳۱: ۱۳۸۴) علامه طباطبائی درباره عرفان هندی می گوید: این عرفان، به علت داشتن راه و روش نامطبوع سبب نتایج زیان باری شده است و پیروان آن، به جای پرستش خدای یگانه، به تقدیس پریان، فرشتگان و قدیسان بشر و عناصری مثل آتش می پردازند. همچنین، دستوراتی که این عرفان می دهد، تماماً منفی است؛ به طوریکه، برخی از طبقات مردم همچون زنان و گروهی از مردان را از زندگی معنوی محروم می کند. (طباطبائی، ج ۱، ۵۴: ۱۳۸۸) همانطور که پیش تر بیان کردیم، ریاضتی که همراه با اعمالی باشد که انسان را از زندگی عادی خود دور کند و به جسم و روح او آسیب برساند، قطعاً مورد تأیید نیست.

شهید مطهری به نقل از علامه طباطبائی درباره اینکه ریاضت بر روح انسان تأثیرگذار است و قدرتی به روح می دهد که انسان کارهای خارق العاده انجام دهد، می گوید: خیال نکنید که

این اعمال از آن جهت که عمل است، چنین نتایجی دارد؛ به طور مثال اثر زجر و شکنجه این می شود؛ بلکه خاصیتی در عمل ارتیاض و این نوع اعمال هست که در اثر انصراف انسان از دنیای بیرون و توجه به دنیای درون، نوعی یقین و اراده برای انسان ایجاد می شود که انسان به تدریج به خودش تلقین می کند که من باید این چنین باشم و به آنچه می خواهد باشد، علم و یقین پیدا می کند. او معتقد بود که بشر هر کاری را که به آن علم و ایمان پیدا کند و از روی علم و ایمان، اراده کند، می تواند انجام دهد. اگر ما در همین جایی که نشسته ایم، یقین و ایمان از یک راهی در ما پیدا شود که بپریم و بالا برویم، به بالا خواهیم رفت (اما این ایمان در ما پیدا نمی شود). یعنی همه چیز در قدرت علمی بشر است؛ اگر این یقین و ایمان در بشر پیدا شود. اما این ایمان، نیاز به یک ریشه و مبنایی دارد که به راحتی به دست نمی آید. در هر حال، ریشه تأثیر ریاضت بر روح و نفس انسان به این است که در انسان چنین نیت و علم و یقین و اراده ای پیدا شود و این تأثیرات اتفاق بیافتد.

علامه در ادامه برای این مطلب شواهدی از قرآن و حدیث ارائه می کند؛ از جمله: «ذکر عند النبی صلی الله علیه و آله إن بعض اصحاب عیسی کان یمشی علی الماء» (مجلسی، ج ۶۷، ۱۷۹: ۱۴۰۴) که به پیامبر (ص) عرض کردند که برخی از اصحاب حضرت عیسی (ع) بودند که روی آب راه می رفتند و غرق نمی شدند. پیامبر (ص) فرمودند: «لو کان یقینه اشد من ذلک لمشی علی الهواء» اگر یقینش از این بیشتر می بود روی هوا هم پرواز می کرد. همچنانکه، امام صادق (ع) می فرمایند: «ما ضعف بدن عما قویت علیه النیة» (ابن بابویه، ۳۲۹: ۱۳۷۶) نیت انسان بر هر چیزی که قوت و نیرو بگیرد، بدنش در برابر آن ناتوانی ندارد. یعنی فکر نکنید که وقتی انسان قدرت نیت یک چیزی را داشت، بدن او نتواند انجام دهد؛ هر چه را که انسان نیت و اراده کند- به شرط اینکه اراده باشد- بدن توانایی انجام آن را دارد. حدیث دیگری نیز هست که فقها آن را توجیه فقهی می کنند و آن این است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أما الأعمال بالنیات» (مجلسی، ج ۶۷، ۲۱۰: ۱۴۰۴) عمل به نیت بستگی دارد. حدیث نقل شده از نظر فقهی به این معنا است که خوبی و بدی عمل تابع خوبی و بدی نیت است. اگر نیت انسان خوب باشد عملش خوب است و اگر نیت عمل بد باشد عملش بد است. او می خواهد از این مفهوم چنین استفاده کند که عمل انسان واقعا از هر جهت بستگی به نیت دارد،

یعنی هر کاری که انسان نیت آن کار را داشته باشد، توانایی انجام آن کار را هم دارد. در مجموع، علامه طباطبایی مدعی این مطلب هست که انصراف های موقت از خارج، موجب پیدایش حالات موقت نفسانی می شود و انصراف های دائم و ارادی، سبب پیدایش حالات مداوم در انسان خواهد شد که این حالات با علم و اراده در وجود انسان پدیدار می شوند. حالا ممکن است این حالت ها از درون خود فرد سرچشمه بگیرد، یا از بیرون سرچشمه بگیرد. ممکن است ریشه آن جن و شیاطین، یا الهامات ربانی و یا ملائکه باشد؛ هر چه که باشد، بشر در دنیای درون خود بر اثر اعمال ریاضت گونه چنین حالاتی را احساس می کند. (مطهری، ۱۳۹۲:۱۴۵)

سیر پیدایش ریاضت نامشروع

علامه طباطبایی درباره علت پیدایش ریاضت های نامشروع چنین بیان می کند که اکثر مشایخ عرفا بر این باور بودند که در اسلام برنامه ای برای سیر و سلوک بیان نشده است، از این روی، هر یک از مشایخ طریقت آنچه که از آداب و رسوم صلاح دیدند، در برنامه سیر و سلوک گذاشتند و به مریدان خود دستور دادند و به طور تدریجی، برنامه مستقلی به وجود آوردند؛ مانند مراسم سرسپردگی و تلقین ذکر و خرقه و استعمال موسیقی و غنا و وجد در زمان ذکر. اما آنچه از کتاب و سنت به دست ما رسیده است، خلاف این است و محال است که بیانات دین اسلام به این حقیقت رهنمون نباشد و برای سیر و سلوک ما برنامه ای ارائه نشده باشد. (طباطبائی، ۱۳۷۸:۱۱۲) البته علامه تصریح نکرده است که منظور او از اکثر مشایخ عرفا دقیقا چه کسانی است؛ شاید این مطلب استنباط خود علامه از نوع بیان و رویکرد عرفا باشد؛ نه اینکه آنها تصریح به این امر کرده باشند.

در هر صورت، اسلام تنها مشربی است که برای هیچ انسانی محرومیت قائل نشده و تمامی انسان ها را در هر مرتبه ای که هستند، تعلیم داده و تربیت می کند. (طباطبائی، ۱۳۸۸:۵۴) بدیهی است که ادعای عرفا درباره اینکه اسلام به ما برنامه سیر و سلوک ارائه نکرده است، از اساس باطل است؛ زیرا اسلام برای تعالی و پیشرفت روح انسان برنامه هایی همچون عبادات

مختلف مذهبی مثل نماز، روزه، حج، مطالعه قرآن و حدیث، تفکر در امور دینی و معنوی، شرکت در مجالس علمی و دینی، مشارکت در امور خیر و کمک به نیازمندان و... ارائه کرده است که التزام به این موارد سبب بهبود زندگی فردی و اجتماعی و همچنین رشد و تکامل هر انسان متشرعی می شود.

از دیدگاه علامه طباطبایی، سه روش تربیتی وجود دارد: الف) روش مکاتب بشری که آثار دنیوی فضائل و رذائل اخلاقی را برای تربیت نفس و تشویق و تنبیه لازم می داند. ب) روش ادیان آسمانی که آثار اخروی فضائل و رذائل را در انگیزه‌زایی برای اصلاح نفس مطرح می کند. ج) روش قرآن کریم، پیامبر و اهل بیت(ع) که از راه ایجاد محبت الهی و جذب حق وارد شده و مقام دفع را بر مقام رفع برتری می دهد و در تربیت انسان اعم از تربیت اخلاقی و سپس عرفانی وارد شده است. (طباطبایی، ج ۱، ۳۵۵:۱۳۷۴) علامه معتقد است که راه ریاضت کارآمد و مشروع در دین اسلام به طور کامل بیان شده است و تنها روش قرآن و پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت او برای سیر و سلوک لازم است و باقی روش ها انحراف می باشد و می گوید: رعایت کامل اعمال دینی همچون طاعات و عبادات، همان مرحله عمومی تقوای دینی را نتیجه می دهد و سیر در مراتب بعدی کمال و ارتقاء به مدارج عالی سعادت باطنی، دلیل و رهبری می خواهد تا انسان با هدایت او، قدم در مسیر درست بگذارد و در ادامه مسیر، زمام طاعت را به دست او بسپارد و البته اطاعت او نیز در زمینه مراعات کامل متن شریعت خواهد بود، نه دستوراتی که به حسب شرع، مجاز شناخته نشده باشد و حلالی را حرام کند یا حرامی را حلال کند. (طباطبایی، ۲۴۲:۱۳۸۸)

در مجموع، علامه طباطبایی این نکات را درباره جایگاه ریاضت در شریعت اسلام مطرح کرده است: ۱. شریعت اسلام هر آنچه برای سیر الی الله لازم است، طرح و ارائه کرده است. (طباطبایی، ۱۰۹:۱۳۷۸) ۲. بهره هرکس از کمال، سلوک و شهود به مقدار تبعیت او از شرع مقدس است. (طباطبایی، ۷۴:۱۳۸۳) ۳. ریاضت‌های بشری قتل نفس دفعی، و آسان است، اما تبعیت از شریعت و التزام به آن در طول عمر، قتل نفس تدریجی، و دشوار است. (طباطبایی، ج ۶، ۲۴۳:۱۳۷۴)

بر اساس انواع روشهای تربیتی ارائه شده توسط علامه و همچنین تعدد معنای مفهوم ریاضت، می توان آن را مشترک لفظی در نظر گرفت؛ با این توضیح که ریاضت میان ادیان و مکاتب گوناگون، معنای متفاوتی دارد و در همه مواضع به یک معنا نبوده و ریاضتی مورد تأیید است که بر اساس روش قرآن و پیامبر و اهل بیت(ع) باشد. در واقع، اسلام برای همه لحظات انسان برنامه‌ای به نام ریاضت دارد که او را در مسیر الی الله هدایت می‌کند و هر کس از کمال و شهود بیشتری برخوردار باشد در تبعیت از دین کوشاتر بوده و در مسیر سعادت پیش خواهد رفت.

یکی از انحرافات که در ریاضتهای ادیان و دیگر مکاتب غیر اسلامی مطرح شده، ملازمت میان ریاضت با انزوا و دوری از جمع است. اما اسلام دینی است اجتماعی که رهبانیت و انزوا را رد کرده و کسانی که به دنبال تهذیب نفس هستند، باید کمال را در متن اجتماع به دست آورند. از آنجا که رهبانیت، یکی از مهم ترین ریاضتهای نامشروع است، در ادامه، به بررسی واژه رهبانیت و جایگاه آن در اسلام بر اساس آراء علامه می‌پردازیم.

رهبانیت و اقسام آن

واژه «رهبانیت» از ماده «رهبه» و «رهب» به معنی خوف و ترس است. راغب در المفردات ذیل این واژه می‌نویسد: «ترسی است که آمیخته با دوری کردن و اضطراب باشد.» (اصفهانی، ۱۴۲۳:۳۶۶) برخی مفسران ذیل آیه «وإیّای فارهبون» (بقره: ۴۰) می‌گویند: رهبه، خشیه و مخافه همانند هم هستند و رغبه ضد همه آنهاست. (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۸۴) همچنین «رهب» را به معنای خوف (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۸) و خوف همراه با تحرّز (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۹۵) دانسته‌اند. برخی نیز تفسیری برای جمله «فارهبون» بیان نکرده‌اند، اما از باطن عباراتشان به نظر می‌رسد که آنان هم «رهب» را به معنای خوف می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۳۰)

سیر پیدایش رهبانیت

رهبانیت در آغاز پیدایش، به معنی سیر و سلوک زاهدمنشانه و با تمرکز بر اصل توحید بود. یک نوع سبک زندگی که بر مدار خوف و خشیت از خدا و رعایت کامل احکام دین قرار داشت؛ به طوری که ابتدا هم در قرآن و هم در روایات، تأیید و توصیه می‌شد و حتی مطلوب نهائی اسلام بود. اما بعدها با ورود انحرافات گوناگون در اصول آن، در بعضی مواضع مردود اعلام شد.

در بررسی سیر پیدایش و انحراف رهبانیت، بر مبنای آیه ۲۷ سوره حدید می‌خوانیم: «ثم قفینا علی آثارهم برسلنا و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الإنجیل و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفة و رحمة و رهبانیة ابتدعوها ما کتبناها علیهم إلاً ابتغاء رضوان الله فما رعوها حقّ رعایتها فاتینا الذین آمنوا منهم أجرهم و کثیر منهم فاسقون.» خداوند متعال در این آیه رهبانیت را معرفی نموده است و انگیزه اصلی راهبان را تنها کسب رضایت خداوند می‌داند. اما از آیه ۳۱ سوره توبه: «اتخذوا آحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله و المسيح بن مریم و ما أمروا إلاً لیعبدوا إلهاً واحداً لا إله إلاً هو سبحانه عما یشرکون» در می‌یابیم که آنان چنان که باید، آداب رهبانیت را مراعات نکردند و از عهده انجام آن برنیامدند. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶:۴۲۵)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات بیان می‌کند: حواریون مجموعاً دوازده نفر بودند که از میان آن‌ها یکی ناهل شد و بقیه بر روش حضرت مسیح پایدار بودند. اما همگی بعد از حضرت مسیح تصمیم گرفتند همچون حضرت مسیح ازدواج نکنند، منزلی برای خود اختیار نکنند و در شهری اقامت نداشته باشند. درمقابل، رسم آنها بر این بود که برای دعوت مردم به آیین حضرت مسیح پیوسته در سفر باشند و از این شهر به آن شهر کوچ کنند و رهبانیت و اعتزال را در پیش گیرند. (طباطبائی، ۱۳۸۹:۳۵۲) و در ادامه، به فساد در نظم راهبان و دیگر صفات ناپسند آنها اشاره می‌کند: «یا ایها الذین آمنوا إنّ کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلوا أموال الناس بالباطل و یصدّون عن سبیل الله و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب ألیم» (توبه: ۳۴) البته فساد و مخالفت با حقیقت و راستی، تنها در برخی راهبان دیده می‌شد و به همین دلیل، خداوند در آیه ۸۲ سوره مائده، راهبان حقیقت جو و

زاهد را ستایش می کند و آنها را دوستان نزدیک مؤمنان می داند: «لتجدنَّ أشدَّ الناس عداوةً للذين آمنوا اليهود و الذين أشركوا و لتجدنَّ أقربهم مودةً للذين آمنوا الذين قالوا إنا نصارى ذلك بأنَّ منهم قسيسين و رهباناً و أنهم لا يستكبرون.» بنابراین، رهبانیت از ابتدا مذموم و مورد نکوهش دین اسلام نبوده است و اگر رهبانی گری همراه با اعتدال و میانه‌روی باشد، مورد تأیید و ستایش نیز خواهد بود. رهبانیتی که ملازم با گوشه نشینی، متارکه زن و فرزند و از مردم بریدن و همچنین خود را به کارهای سخت و طاقت فرسا واداشتن باشد، (ابن منظور، ۱۴۱۴:۴۳۸؛ ابن اثیر، ۲۸۰: ۱۳۶۷) مطمئناً مردود و نکوهیده است. اگر انسان به خاطر ترس از خدا و برای اینکه دائماً مشغول عبادت باشد، دنیا را ترک کرده و از مردم و جامعه دوری گزیند، قطعاً در مسیر درستی نیست.

علامه طباطبایی درباره رهبانیت می گوید: با اینکه خداوند متعال صراحتاً رهبانیت را نفی نکرده است، اما آن را تشریح نیز نکرده است. خداوند همانطور که زندگی مادی را در دسترس انسان قرار داده، زندگی معنوی را هم در اختیار همگان گذاشته است و آن را در همه شئون مثبت و منفی زندگی انسان بسط داده و انسان را به داشتن زندگی اجتماعی و فعالیت مثبت دعوت نموده است. (طباطبائی، ۱۳۸۸:۵۴) تصریح به اینکه خداوند رهبانیت را کاملاً نفی نکرده است را از آیاتی که پیش تر بیان شد، نتیجه می گیریم؛ اما برای عدم تشریح رهبانیت توسط خداوند می توان به آیه ۳۲ سوره اعراف اشاره کرد: «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا خالصة يوم القيامة كذلك نفصل الآيات لقوم يعلمون» «[ای پیامبر] بگو چه کسی زیورهایی که خدا برای بندگانش پدید آورده و نیز روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو در قیامت، آن مخصوص کسانی است که در دنیا ایمان آوردند. اینگونه، آیات را برای گروهی که می دانند بیان می کنیم.» خداوند متعال در این آیه صراحتاً به انسان ها توصیه و سفارش می کند که خود را از متاع دنیا محروم نسازند.

به گفته علامه «اخراج زینت» کنایه از اظهار آن است؛ زیرا خداوند متعال در فطرت انسان انواع زینتها را ایجاد کرده است، تا بدین وسیله نفرت مردم را از خود دور کند. اگرچه در ظاهر،

به وجود آوردن زینت و دیگر حوائج زندگی، کار خود انسان است، اما چون با الهام خداوند بوده است، درحقیقت اوست که ایجادش کرده و آن را از خفا به عرصه ظهور آورده است؛ زیرا خالق انسان، می دانسته این موجود، نیازمند به زینت است. اگر انسان در دنیا به شکل انفرادی زندگی می کرد، هیچ وقت نیازمند زینتی که خود را با آن بیاراید نمی شد. اما از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی سرشار از حب و بغض و اراده و کراهت است، بنابراین ناخواسته با افراد و شکل هایی برمی خورد که یکی را دوست دارد و از یکی بدش می آید. فلذا آفریدگار انسان از طریق فطرتش به وی الهام کرده تا به اصلاح مفاسد خود پرداخته و معایب خویش را زینت دهد. فطرت انسان همیشه ملهم به اموری است که وجود و بقای انسان محتاج به آن است. در توضیح این امر می گوئیم: هیچ دلیلی بر مباح بودن چیزی، بهتر از احتیاج به آن نیست؛ زیرا احتیاج بیانگر این است که خداوند انسان را طوری خلق کرده که به آن چیز محتاج باشد و در پی تحصیل آن قدم بردارد. (طباطبائی، ج ۸، ۱۳۷۴:۹۹) خداوند متعال در این آیه هم به انسان امر می کند که در جامعه حضور داشته باشد و هم اینکه دنیا و نعمت های آن را ترک نکند و از نعمتهای آن بهره ببرد. اگر دنیا و هر چه در آن است بد بود، خداوند آن را نمی آفرید. اکنون که نعمات و زیورهای دنیا را آفریده است، حتماً استفاده از آنها را جایز می داند. از آنجا که این آیه تأکید می کند که این نعمت ها برای افراد باایمان است و مؤمنان را مخاطب قرار داده است. این خطاب را شاید بتوان چنین تفسیر کرد که انسان های بی ایمان معمولاً خودشان را از متاع دنیا محروم نمی کنند؛ اما انسان های مؤمن ممکن است به دلیل ترس از خدا و توجه به عالم آخرت، گرفتار وسوسه های شیاطین و نحله های افراطی و دروغینی همچون همین رهبانیت غیر اسلامی شوند؛ به طوری که حلال خدا را بر خود حرام کنند و از حدودی که خداوند معین کرده تجاوز کنند. به همین دلیل، خداوند در آیه ۸۷ سوره مائده حرام نکردن نعمت های حلال را توصیه نموده و می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لاتحرموا طيبات ما أحل الله لكم و لاتعتدوا إن الله لا یحب المعتدین وکلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً واتقوا الله الذی أنتم به مؤمنون.» (مائده: ۸۷-۸۸) «ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید و از حد، تجاوز نکنید. یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد و از نعمت های حلال

و پاکیزه ای که خدا روزی شما فرموده، بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید.» این آیه دو چیز را نهی می کند: یکی اینکه کسی به یکباره به محلات روی آورد و سرگرم تمتع و لذت بردن از آنها شود و دیگر آنکه یکسره از آنها روی برگرداند و رهبانیت و توجه صرف به خدا را اختیار کند. بنابراین معنی آیه چنین می شود که نه چنان باشید که آنچه را خدا برایتان حلال کرده بر خود حرام کنید و نه طوری باشید که از حد اعتدال بگذرید و در تمتع از آنها اسراف و افراط ورزید و با این کار به جان و تن خود آسیب رسانید. (طباطبائی، ۱۶۰: ۱۳۷۴) از اینرو تأکید اسلام به اصل اعتدال و میانه روی در این آیه کاملاً مشهود است.

در آیه ای دیگر می خوانیم: «لاتنس نصیبک من الدنيا» (القصص: ۷۷) «بهره ات از دنیا را فراموش مکن». این کلام به این معناست که آن مقدار رزقی را که خداوند متعال برایت مقدر کرده ترک نکن و برای بعد از خودت به جا مگذار. بلکه برای آخرت عمل کن؛ چراکه حقیقت بهره و نصیب هر کسی از دنیا همان چیزی است که برای آخرت انجام داده است و آن چیزی که برایش می ماند همان عمل اوست. برخی مفسرین دیگر در بیان معنای این آیه آورده اند: فراموش نکن این معنا را که نصیب تو از مال این دنیا که به تو داده شده، بسیار اندک است و آن همان مقدار است که می پوشی و می نوشی و می خوری. بقیه اش برای تو زیادی است که برای غیر خودت باقی می گذاری. پس از آنچه به تو داده اند به قدر کفایت بردار و باقی را احسان کن. (طباطبائی، ج ۱۶، ۱۱۱: ۱۳۷۴) این آیه صراحتاً تمتع از دنیا را سفارش می کند.

بنابر آنچه گذشت، رهبانیت به دو معنا در قرآن معرفی شده است: یکی رهبانیت افراطی و منحرف که شامل آداب و مناسکی است که برخلاف کسب رضایت خداوند بوده و باعث آسیب به انسان می شود که مردود است. دیگری، رهبانیت معتدل یا معقول که وسیله ای برای تقرب به خالق هستی و مورد سفارش دین است. در روایات وارده نیز این دو معنا را می توان ملاحظه کرد؛ چراکه هم روایات مؤید رهبانیت داریم و هم روایاتی که رهبانیت را رد کرده اند؛ که به نظر می رسد با یکدیگر متعارض هستند. در ادامه، پس از بیان رهبانیت از نگاه روایات، پاسخی برای این تعارض بیان خواهیم کرد.

رهبانیت از دیدگاه روایات

در ارتباط با موضوع رهبانیت، دو دسته روایت وجود دارند: دسته ای از روایات، رهبانیت را تأیید و سفارش می کنند؛ همچنانکه امام صادق (ع) از پیامبر اسلام نقل می کنند که ایشان به حضرت علی(ع) فرمودند: یا علی! برادران تو کسانی هستند که لبان خشکیده دارند و آثار رهبانیت در چهره شان پیدا است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۶ و ۴۰) امام صادق (ع) در باب مؤمن و نشانه ها و صفات او می فرماید: شیعه ما، رنگ پریده هائید، لب خشک ها هستند، لاغر ها هستند، آن کسانی که چون شب آید با اندوه از آن استقبال کنند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۳) (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۹: ص ۱۰۵) البته بیان چنین صفاتی برای مؤمنان به این معناست که آنها رنگ چهره شان از عبادت زیاد و بیداری شب دگرگون و بی طراوت باشد و لبهایشان از روزه خشک و بدنشان نیز از عبادت نحیف و ضعیف شده باشد. کسانی که شب هنگام، به عبادت پردازند و از تفکر در امر آخرت و احوال قیامت اندوهناک شوند. (مجلسی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۳) در کلام امام علی (ع) درباره نشانه های شیعه نیز می خوانیم: زردی روها از بیخوابی، تری چشمها از گریه، خشکی لبها از تشنگی، لاغری شکم از روزه، خم شدن پشتها از نماز. بر ایشان است غبار ترسندگان. (شعیری، ۱۳۸۸: ص ۳۳) و در خصال ابن بابویه، پس از بیان این خصائص، به نقل از امام باقر(ع) آمده است: «چون تاریکی شب آنان را فرا گیرد، زمین را بستر گیرند و پیشانی بر زمین نهند، سجده ها کنند و اشکها بریزند، بسیار دعا کنند و بسیار بگیرند؛ مردم شادی کنند و آنان غمگینند.» (ابن بابویه، بی تا: ج ۲، ص ۵۱۹)

همچنین، در سفارش به رهبانیت، امام علی (ع) می فرماید: «معاشرتتان با مردم از راه بدن ها و زبان هایتان باشد و در قلب و عملتان از آنها دوری کنید.» (کاشف الغطاء، ۱۰۲: ۱۴۳۶) به نظر می رسد منظور ایشان این است که همچنانکه در بین مردم هستی و با آنها معاشرت داری، وابسته آنها نباش و مخصوصا اگر فضای اجتماع را متناسب با رشد معنوی خود نیافتی، عزلت را انتخاب کن. عزلتی که به حسب شرایط، می تواند ظاهری یا باطنی باشد. اگر انسان فضای اجتماع را متناسب با روحیات معنوی خود می بیند، همراهی با مردم مشکلی ایجاد نمی کند. اما در صورتی که فضا در مسیر رشد معنوی و رسیدن به کمال انسان خلل ایجاد کند، عزلت گزینی بهترین انتخاب است. از دیگر برداشته هایی که از سخنان امام علی (ع)

می شود، این است که ایشان برای ترغیب به پرهیز از ریا و خودبینی و تکبر، توصیه به عزلت فرموده اند. به این صورت که انسان اعمال صالح خود را اگر در خفا انجام دهد، از ارتکاب به ریا و خودبرتربینی دور خواهد شد. همانطور که در نهج البلاغه حکمتی مشابه به این مضمون وجود دارد: «أفضل الزهد إخفاء الزهد». (علی بن ابی طالب(ع)، ۱۳۷۹: حکمت ۲۸)

از سوی دیگر، بعضی روایات، رهبانیت را کاملاً نفی می کنند؛ چنانکه رسول خدا فرموده اند: «رهبانیت در اسلام نیست» (طوسی، ۱۴۱۴:۶۵۵) و نیز می فرمایند: «رهبانیت امت من در به انتظار نشستن نماز در مساجد است.» (طوسی، ۱۳۶۵:۱۹۰) توصیه به رفتن در مساجد نشانه مخالفت صریح پیامبر اسلام با رهبانیت و عزلت نشینی است. ایشان دین اسلام را دین آسان معرفی کرده اند و می فرمایند: «خداوند مرا برای رهبانیت برنیانگیخته است، بلکه بهترین دین نزد خداوند، آئین راستین و آسان اسلام است.» (طوسی، ۱۴۱۴:۵۲۷)

بر این اساس، دو سؤال در مورد رهبانیت مطرح می شود: اول اینکه آیا نکوهش ائمه معصومین(ع) درباره رهبانیت در دین اسلام است یا رهبانیت در آیین مسیحیت و هندو؟ دوم اینکه تعارض موجود میان آیات و روایات مرتبط با رهبانیت را چگونه می توان پاسخ داد؟

در پاسخ به پرسش نخست می گوئیم: همانطور که رهبانیت در ادیان مسیحیت و هندو در ابتدا به شکل درستی بوده است و در گذشت زمان، انحرافی در آن وارد شده است، احتمال دارد رهبانیت در اسلام و در زمان پیامبر(ص) و اهل بیت نیز به هر دو صورت درست و نادرست وجود داشته و معصومین(ع) در برخورد با افراد مختلف و شرایط آنها، موضع متفاوتی در مورد رهبانیت نشان می دادند. بنابراین، رهبانیت هم در میان مسلمانان و هم در بین پیروان ادیان دیگر ممکن است گمراه کننده و مردود باشد؛ اگر بر اصول و آداب درستی استوار نباشد. مرام رهبانی گری، اگر سبب قرب به خداوند متعال نشود، مردود است؛ چه در آیین اسلام باشد و چه در آیین و ادیان دیگر.

در جواب سوال دوم می گوئیم: تعارض میان آیات و روایات مرتبط با رهبانیت را می توانیم به این صورت حل کنیم که مفهوم رهبانیت را مشترک لفظی در نظر بگیریم؛ به این معنا که

رهبانیت در مواضع مختلف، معنای متفاوتی دارد. آیاتی که راهبان را ستایش می کند، تنها راهبان حقیقت جو و زاهد را مدنظر دارد که آنها دوستان نزدیک مؤمنان نیز خواهند بود. پس اگر راهب از مسیر حق و حقیقت جویی و زهد کناره گیری کند، مورد نکوهش است. در مورد تناقضات در احادیث وارده نیز می توان چنین تحلیل کرد که برخی احادیث تنها برای افراد خاصی سفارش شده و نمی توان آنها را برای عموم توصیه کرد. ترغیب به حضور در اجتماع و بهره گیری از نعمات دنیوی، یک سفارش عام است، اما توصیه به اعراض و کناره گیری از دنیا توصیه به افراد خاصی بوده است.

نتیجه گیری

از دیدگاه علامه طباطبایی، مهمترین ریاضت، دینداری است که اگر بر مبنای اصول و قواعد صحیحی باشد، تأثیر عمیقی بر روح انسان خواهد گذاشت؛ تأثیری که ابتدا با نیت برای انجام کار، و علم به زوایای آن و حاصل شدن یقین و در ادامه با اراده انسان، باعث می شود او کارهای خارق العاده ای انجام دهد. به بیان علامه، انسان می تواند هر کاری را که به آن علم و ایمان پیدا کند، اراده کند و انجام دهد. ریاضت انواعی دارد که یکی از مهم ترین آن، رهبانیت است. در تحلیل تعارضات میان روایات مربوط به رهبانیت در می یابیم که اگر خداوند، پیامبر و ائمه معصومین رهبانیت را مردود خوانده اند، منظورشان به رهبانیت های افراطی و منحرف رایج در اسلام و ادیان دیگر است؛ و ممکن است بنا به شرایط، موقعیت و حالات هر فردی، توصیه ای متناسب با شرایط او داشته باشند که در نتیجه تناقضی در روایات وارده نیست. اما در پاسخ به این جمله علامه طباطبایی که گفته است: «خداوند متعال رهبانیت را صراحتاً رد نکرده و علاوه بر آن تشریح هم نکرده است.» می گوییم: راه حل این مشکل در فهم متفاوت از مفهوم رهبانیت است؛ یعنی این مفهوم در مواضع مختلف، حاکی از معنای متفاوتی است و اگر ما رهبانیت را مشترک لفظی در نظر بگیریم، اشکال وارد شده حل خواهد شد. همچنانکه در مورد ریاضت نیز بیان کردیم که اگر ریاضت بر اساس روش قرآن و اهل بیت باشد، ستودنی

است و گرنه، مردود است. پس تعارضات درباره ریاضت هم بر مبنای اشتراک لفظ قابل حل است.

بنابراین، اسلام با ریاضت و رهبانیت مخالفتی ندارد؛ اگر این دو بر اصول و قواعد محکم و صحیحی استوار باشند و طبق گفته علامه، بر اساس روش قرآن و اهل بیت باشند. اگر در مواردی قرآن و روایات، ریاضت یا رهبانیت را نکوهش کرده اند، یقیناً آداب این دو مسلک به درستی رعایت نشده است؛ زیرا ریاضتی مورد تأیید دین است که بر مدار تعالی روح باشد. اسلام نیز رهبانیتی را سفارش می کند که در مسیر حقیقت جویی باشد.

References

منابع

- قرآن کریم
- ابن اثیر، مجد الدین جزری (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث، اسماعیلیان، قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الأمالی، نشر کتابچی، تهران.
- _____ (بی تا)، الخصال، ترجمه فهری، نشر علمیه اسلامیة، تهران.
- ابن عربی، محی الدین (بی تا)، الفتوحات المکیه، دار صادر، بیروت.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، دار صادر، بیروت.
- اسد علی زاده، اکبر (۱۳۸۳)، کسب توانائی های روحی از راه ریاضت، مبلغان، شماره ۶۱.
- اصفهانی، راغب (۱۴۲۳)، المفردات فی غریب القرآن، ذوی القربی، قم.
- آل رسول، سوسن؛ مسجدی، فاطمه (۱۳۹۴)، قرآن از نگاه دیگر: رهبانیت از منظر قرآن، بینات، شماره ۸۵.
- بیضاوی، ناصرالدین (۱۴۱۸)، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۱، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
- پازوکی، شهرام؛ فتاحی، ذکیه (۱۳۹۱)، رهبانیت در گستره روایات، عرفان اسلامی، شماره ۳۲.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتاب الاسلامی، قم.
- حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۲۶)، مهر تابان، نور ملکوت قرآن، مشهد.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۹)، الفین، دارالهجره، قم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف، ج ۱، دارالکتاب العربی، بیروت.
- شعیری، محمد بن محمد (۱۳۸۸)، کاشف الأستار (ترجمه جامع الأخبار)، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۳)، اسلام و انسان معاصر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

- _____ (۱۳۸۸)، شیعه (مذاکرات و مکاتبات هانری کرین با علامه طباطبایی)، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران.
- _____ (۱۳۸۸)، بررسی های اسلامی، موسسه بوستان کتاب، قم.
- _____ (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- _____ (۱۳۸۹)، رساله لب اللباب، موسسه بوستان کتاب، قم.
- _____ (۱۳۷۸)، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران.
- _____ (۱۳۷۹)، مشکاه الأنوار، ترجمه هوشمند و محمدی، دارالثقلین، قم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، الامالی، دار الثقافة، قم.
- _____ (۱۳۸۹)، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، آل البيت، قم.
- _____ (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- علی بن ابی طالب (ع) (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، قم.
- کاشف الغطاء، هادی (۱۴۳۶)، مستدرک نهج البلاغه، موسسه کاشف الغطاء، نجف.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴)، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت.
- _____ (۱۳۹۷)، شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام (ترجمه جلد ۶۵ بحار الأنوار)، ترجمه علی تهرانی، کتابخانه مسجد حضرت ولیعصر (عج)، تهران.
- محیطی، علی (۱۳۸۴)، صراط سلوک: رهنمودهای اخلاقی عرفانی حضرت استاد علامه حسن زاده آملی در سیر و سلوک الی الله، نشر قائم آل محمد (ص).
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، وحی و نبوت، انتشارات صدرا، تهران.

❖ فصلنامه علمی و پژوهشی فلسفی-کلامی الهیات عقلی شماره ۱- زمستان ۱۴۰۳

- ناصری، محمود؛ احمدپور، علی (۱۳۹۵)، ریاضت، اقسام و درجات و مراتب آن، عرفان اسلامی، شماره ۴۹.